

حقوق بین الملل توسعه پایدار: از آرمان تا واقعیت

حجت سلیمی ترکمانی*

استادیار حقوق دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۹/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۲/۲۰

چکیده

پارادایم حاکم بر حقوق بین الملل توسعه در بستر شرایط تاریخی و اقتصادی دهه ۱۹۶۰ عمده‌تأ مبتنی بر توسعه اقتصادی بود. اما به تدریج در پرتو تلاش‌های بین المللی و صدور گزارش برون‌تولند مفهومی تحت عنوان توسعه پایدار در گستره حقوق بین الملل مطرح شد. مفهومی که در پرتو اجتناب از ملاحظه صرف توسعه اقتصادی در فرایندهای توسعه و از طریق تعامل میان سه بعد توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی، حقوق بین الملل توسعه را به سمت حقوق بین الملل توسعه پایدار رهنمون ساخته است. با وجود پیشرفتهای حاصله در خصوص ادبیات توسعه پایدار در حقوق بین الملل، از یک سو به دلیل اینکه مفاد این مفهوم عمدتاً در حقوق قوام نیافته مطرح بوده و عملاً بنا به اذعان اسناد مهم در این زمینه مبنی بر اولویت توسعه اقتصادی بر توسعه زیست محیطی و اجتماعی سیاستهای توسعه پایدار با شکست مواجه شده است، خلاء قابل توجهی در رویکرد نظری و عملی به توسعه پایدار در حقوق بین الملل توسعه وجود داشته و حقوق بین الملل توسعه پایدار حقوق آرمان تلقی می شود تا حقوق واقعی.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، حقوق بین الملل، حقوق بین الملل توسعه.

طبقه بندی JEL: K۴۱، K۳۴

International sustainable development law, from *lexfrandatolexlata*

HojjatSalimiTurkamani
Assistant Professor of International
Law, ShahidMadaniAzarbayjan

Abstract:

In thelight of historical and economic circumstances of ۱۹۶۰s, dominant paradigm in international development law was essentially relayed on economic development. But gradually by international efforts and issuing Broutland report, the conception of sustainable development came up in context of international law; The conception that by avoiding of mere consideration of economic development and reaction among three aspects of sustainable development(economic development, social development and environmental conservation) lead international development law to international sustainable development law. In spite of some progress on sustainable development in international law,from one hand, due to introduction of the conception in soft law and on the other hand because of failures of policies of sustainable development for priority of economic aspect on two other aspects, there is considerable gap between theoretical and practical approach to international development law. Hence it can be said that nowadays international sustainable development law *is lexfrandantotlexlata*.

Keywords: sustainable development, international law, international development law.

JEL: K۳۴, K۴۱

مقدمه

یکی از موضوعات میان رشته ای که حقوق بین الملل نیز به آن پرداخته است مساله «توسعه»^۱ می باشد که توانسته است به تدریج در مباحثات حقوقی جایگاه خاصی داشته باشد و در کنار حقوق بشر و امنیت دغدغه های اساسی جامعه بین المللی در هزاره سوم قلمداد شود. (Report of the Secretary-General, ۲۰۰۵:۵) امروزه اهمیت توسعه تا بدانجاست که در تقسیم بندی

۱- Development

کشورهای جهان از معیار توسعه استفاده شده و کشورهای جهان به کشورهای توسعه یافته^۱، در حال توسعه^۲، کمتر توسعه یافته^۳ و توسعه نیافته^۴ تقسیم می شود. بنابراین کلیه کشورها به درجات مختلف با مساله توسعه مواجه بوده و یکی از اولویتها و رسالتهای عمده آنها تلاش برای نیل به توسعه می باشد.

توسعه از اواخر دهه ۱۹۶۰ و پس از پایان عصر استعمار به طور جدی در مناسبات بین المللی مطرح شد. در این برهه تاریخیبه تدریج جامعه بین المللی به این نتیجه رسید که توسعه عنصر اساسی ارتقاء منافع مشترک است و اهداف دیگر تنها زمانی قابل نیل خواهند بود که افراد در کل جوامع بشری به سطح قابل قبولی از توسعه دست یافته باشند. (ساعد، ۱۳۸۴: ۲۱۹) از آن تاریخ به بعد توسعه همواره دو بعد اساسی اقتصادی و انسانی در عرصه بین المللی داشته است. توسعه اقتصادی که محصول تحولات دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی می باشد عمدتاً بر مبنای شاخص های صرفاً اقتصادی نظیر تولید ناخالص ملی بوده و عبارت است از بهبود عرضه کالا و خدمات به اعضاء سیستم های اقتصادی-اجتماعی مربوطه به منظور تدارک امکان مصرف یا سرمایه گذاری بیشتر. این برداشت از توسعه که به لحاظ تاریخی اولین شکل توسعه می باشد عموماً با مفهوم رشد اقتصادی و درآمد سرانه پیوند داشته و هدف نهائی آن نیل به رشد اقتصادی بالاست. اما توسعه انسانی در کنار شاخص های اقتصادی مبتنی بر شاخص های اجتماعی نیز می باشد. در این برداشت توسعه بشری دربردارنده بهداشت، آموزش و رفاه برای همه، نظام درآمد مطلوب و ارتقاء نه تنها استانداردهای کمی زندگی بلکه کیفیت زندگی نیز می شود. (Caplan, ۱۹۹۴: ۱)

از سوئی دیگر توسعه انسانی، توسعه حق محوری است که روی ارتباط میان حقوق بشرو رشد اقتصادی متمرکز بوده و گامی به سمت مفهوم چند بعدی از توسعه است: (Bellù, ۲۰۱۱: ۴) در این راستا «برنامه توسعه سازمان ملل متحد»^۵ مفهومی از توسعه بشری بر مبنای سه معیار عمر زیاد و

۱- Developed Countries

۲- Developing Countries

۳- Under Developed Countries

۴- Least Developed Countries (LDCs)

۵- United Nations Environment Programme (UNEP)

سالم (بر مبنای امید به زندگی)، دانش (سالهای تحصیل در مدارس)، استانداردهای مطلوب زندگی (درآمد سرانه) ارائه می کند که منطبق با این برداشت می باشد. (UNDP, ۲۰۱۲:۱) مطابق با گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۶ این نهاد، توسعه بشری هدف است و توسعه اقتصادی تنها وسیله ای برای نیل به آن دلیل آن است که لزوماً توسعه اقتصادی و توسعه بشری بر همدیگر منطبق نیستند؛ چرا که در برخی موارد افزایش رشد اقتصادی می تواند به بهای کاهش میزان توسعه بشری بیانجامد. (World Bank, ۲۰۱۲:۷)

در بستر تقابل میان دو رویکرد اقتصادی و انسانی به توسعه، از اواخر دهه ۱۹۸۰ پارادایم جدیدی در حوزه توسعه تحت عنوان توسعه پایدار مطرح شده است. در این مقاله به نحوه تغییر پارادایم صورت گرفته در حوزه حقوق بین الملل توسعه از سمت توسعه اقتصادی به سمت توسعه پایدار پرداخته شده و میزان موفقیت جامعه بین المللی در نیل به آن مورد بررسی قرار می گیرد.

گفتار اول: حقوق بین الملل توسعه

بند اول: تعریف حقوق بین الملل توسعه:

اگرچه حقوق بین الملل توسعه به عنوان یک شاخه مستقل حقوق بین الملل بعد از جنگ جهانی دوم ظاهر شده است ولی تا به امروز توافق دقیقی در خصوص محتوی آن وجود نداشته است. حقوق بین الملل توسعه صرفاً به عنوان حقوق مرتبط با توسعه بین المللی قلمداد نمی شود. آن شامل نه تنها حق بر توسعه، بلکه همچنین شامل مواردی نظیر حاکمیت دائمی روی منابع طبیعی، توسعه پایدار، موافقتنامه های تجارت جهانی و.. می باشد. (Sucharitkul, ۱۹۹۱:۵) کارکرد حقوق بین الملل توسعه که با حقوق و تعهدات کشورها و سایر بازیگران بین المللی در فرایند توسعه ارتباط دارد، تامین نیازهای توسعه ای خاص دنیای در حال توسعه از طریق ایجاد یک سری استانداردهای هنجاری دو جانبه در روابط اقتصادی بین المللی در میان کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته و همچنین میان کشورهای با سطوح مختلف توسعه در میان کشورهای در حال توسعه می باشد. بنابراین حقوق بین الملل توسعه در بردارنده استانداردهای هنجاری متفاوت به لحاظ سطح توسعه بوده و منجر به تکثر هنجاری می شود. (Maniruzzaman, ۲۰۱۲:۴۲-۴۳) با این حساب تعاریف مختلفی از حقوق بین الملل توسعه می تواند مطرح باشد. در یک تعریف، حقوق بین الملل توسعه عبارت است از مجموعه ای از مقررات، اصول و قواعد با ماهیت فراملی که فعالیتهای فرامرزی

مرتبط با توسعه را در برمی گیرد. (Wang, ۲۰۰۶:۱) در تعریفی دیگر، حقوق بین الملل توسعه‌شاکه ای از حقوق بین الملل است که با کنترل و تنظیم بین المللی ابعاد توسعه ملی و همچنین توسعه منابع مشترک جامعه جهانی (میراث مشترک بشریت) مرتبط می باشد. (Sucharitkul, ۱۹۹۱:۳) در این تعریف حقوق بین الملل توسعه جزئی از حقوق بین الملل عمومی است که صرفاً در بردارنده تلاشها و همکاری دولتها برای گنجاندن استانداردهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در منشور سازمان ملل متحد و اسناد حقوق بشری می شود. به طور کلی اتفاق نظری میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در خصوص محتوی و کارکرد حقوق بین الملل توسعه وجود ندارد. کشورهای در حال توسعه، حق توسعه را به عنوان حق دریافت مساعدت جهت نیل به سطح توسعه قابل قیاس با سطح کشورهای توسعه یافته می دانند در حالیکه کشورهای توسعه یافته چنین تعریفی را قبول ندارند. (هوهن فلدرن، ۱۳۸۴:۱۲)

فارغ از تعاریف متفاوت، در هر گونه تجزیه و تحلیل از حقوق بین الملل توسعه و تاثیر آن روی سایر شاخه های حقوقی بایستی به وابستگی متقابل فزاینده یا جهانی شدن توجه شود. چرا که ایجاد و توسعه حقوق بین الملل توسعه نتیجه همبستگی فزاینده در میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه یا همان جهانی شدن و ادغام مسائل اقتصادی بین المللی است. از این رو پیشبرد اهداف حقوق بین الملل توسعه مستلزم تلاشهای جمعی، همکاری فعال، و عملیات مشترک توسط همه جامعه بین المللی اعم از دولتی و غیر دولتی می باشد. حقوق بین الملل توسعه به عنوان یک نظم حقوقی جدید به شکل اصول بنیادین و اصول قانونی ماهوی است که هنوز در حال تکامل بوده و به خاطر اینکه تلاشی در راستای ترمیم بی عدالتی زیاد گذشته نسبت به محرومترین ملل جهان می باشد عنصری برای تجدید حیات حقوق بین الملل قلمداد می شود. (امیر ارجمند، ۱۳۷۲:۴۴۵)

۱- حقوق بین الملل توسعه، شاخه ای از حقوق بین الملل عمومی است. در واقع هیچ قاعده حقوق بین الملل توسعه نمی تواند بدون سیستم از پیش موجود نظم حقوقی بین المللی مبتنی بر قواعد حقوق بین الملل عمومی ایجاد شود. نه قوانین دولتی و نه جامعه بین المللی نمی تواند قواعد مربوطه به حقوق توسعه را بدون اصول بنیادین حقوق بین الملل عمومی در ارتباط با حاکمیت ایجاد نمایند. از این رو وجود و توسعه حقوق بین الملل توسعه در چارچوب حقوق بین الملل عمومی به عنوان یک شاخه آن قابل تصور است. حقوق بین الملل عمومی به عنوان تدارک کننده منابع مادی حقوق بین الملل توسعه منابع مادی رشد و توسعه آن را نیز فراهم می سازد. به طوریکه در خلاء وجود قواعد خاص قواعد عام حقوق بین الملل عمومی مورد لحاظ قرار می گیرد.

بند دوم: گذر از رویکرد کلاسیک به رویکرد مدرن در حقوق بین الملل توسعه

امروزه دو دیدگاه متفاوت در خصوص حقوق بین الملل توسعه وجود دارد. دیدگاه سنتی که حقوق بین الملل توسعه را صرفاً مبتنی بر رشد اقتصادی می داند و توسعه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و زیست محیطی را احتساب نمی کند. این دیدگاه اگرچه تأیید می کند که توسعه ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز دارد اما مدعی است این ابعاد بایستی به طور جدا از ابعاد اقتصادی ارزیابی شوند. این دیدگاه که تحت عنوان مکتب نئو کلاسیک^۱ از آن یاد می شود روی گزینه ایجاد درآمد خواه به شکل تولید ناخالص ملی یا درآمد سرانه تأکید دارد. فلسفه اصلی این مکتب این است که هر خط مشی که درآمد ملی و درآمد سرانه را افزایش دهد به طور اتوماتیک کشور را به سمت توسعه پیش خواهد برد. (Ramani, ۲۰۰۸:۳) این رویکرد روی تعداد محدودی از متغیرها متمرکز است. بر طبق این دیدگاه سنتی، حقوق بین الملل توسعه روی موضوعات حقوق اقتصادی بین المللی و ابعاد حقوقی تجارت، سرمایه گذاری بین المللی، تأکید دارد که کشورهای در حال توسعه با آن مواجه هستند. به عبارت دیگر دیدگاه سنتی به توسعه، حقوق بین الملل توسعه را شاخه ای از حقوق اقتصادی بین المللی می داند که به مسائل خاص کشورهای در حال توسعه می پردازد. بر اساس این رویکرد، حقوق بین الملل توسعه یک مجموعه قانونی کاربردی در راستای هدف توسعه اقتصادی در یک دنیای مبتنی بر تقسیمات اقتصادی است. مدافعان این دیدگاه تفکیک کاملی میان حقوق بین الملل توسعه و حقوق ملی توسعه قائل می شوند. به اعتقاد آنها حقوق بین الملل توسعه با روابط اقتصادی بین المللی کشورهای در حال توسعه ارتباط دارد و حقوق ملی توسعه با آن ابعادی از حقوق توسعه که مرتبط با جنبه های اجتماعی و سیاسی توسعه هر کشور می شود ارتباط دارد.

از سوئی دیگر، دیدگاه مدرن به حقوق بین الملل توسعه، توسعه را ترکیبی از ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و زیست محیطی می داند. (Bradlow, ۲۰۰۴:۱۹۴) این دیدگاه موسوم

به مکتب ساختاری^۱، ظرفیت ایجاد درآمد را به عنوان شاخص اصلی توسعه قلمداد می کند نه صرف ایجاد درآمد را. در هر سیستم اقتصادی، ظرفیت برای ایجاد درآمد بوسیله مولفه های اجتماعی- اقتصادی مثل میزان سواد، امید به زندگی، سطح بهداشت سنجیده می شود که در واقع روی مجموعه ای گسترده تر از شاخص ها تمرکز دارد. این رویکرد بیش از درآمد ملی به ابعاد بشری توسعه مبتنی است. این دیدگاه توسط سازمانهای غیردولتی، سازمانهای بین المللی حقوق بشری و گروههای اجتماعی اتخاذ می شود. بر طبق این دیدگاه ابعاد اقتصادی توسعه نمی تواند جدا از ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی قلمداد شود. در این دیدگاه حقوق بین الملل توسعه تلاش دارد تا کارکردهای اجتماعی را از طریق همکاری بین المللی در حوزه توسعه اجرا نماید. برخلاف دیدگاه سنتی مبنی بر تفکیک کامل حقوق ملی توسعه از حقوق بین الملل توسعه، طرفداران رویکرد جدید متمایل به تعامل پویا و نزدیک این دو حوزه حقوق توسعه می باشند.

دیدگاه مدرن به حقوق بین الملل توسعه، از چند حیث متفاوت از دیدگاه سنتی است. اولاً، رویکرد مدرن به توسعه به همان اندازه که به حقوق و تعهدات اقتصادی کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته نسبت به یکدیگر در نظم بین المللی توجه دارد به همان اندازه نیز به قواعد حقوقی و آیینهای شکلی توسعه که به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی مطلوب هستند نیز توجه دارد. ثانیاً، این رویکرد مدرن به حقوق بین الملل توسعه، دولت را تنها بازیگر عرصه توسعه نمی داند؛ چرا که بازیگران دولتی و غیر دولتی نیز می توانند تابعات مستقیم حقوق بین الملل توسعه باشند. به عبارت دیگر حقوق بین الملل توسعه نه تنها شامل دولتها و سازمانهایشان (سازمانهای بین المللی بین الدولی) می شود بلکه شامل بازیگران غیر دولتی، به صورت اشخاص حقیقی یا حقوقی، سازمانهای جامعه مدنی و سازمانهای غیر دولتی نیز می شود. (De Waart, ۲۰۰۶:۱) این رویکرد، همان رویکردی است که در اعلامیه حق بر توسعه نیز اتخاذ شده است. ثالثاً، رویکرد مدرن به حقوق بین الملل توسعه نه تنها منابع حقوق بین الملل کلاسیک در حوزه حقوق بین الملل اقتصادی را لحاظ می کند بلکه با اتخاذ یک دیدگاه کلی نگر، اصول حقوق بین الملل بشر، حقوق بین الملل

محیط زیست، منشور سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه استکهلم و ریو.. را نیز ملحوظ می دارد.^۱

به نظر می رسد شرایط بین المللی موجود حاکی از این است که در پرتو پدیده جهانی شدن، که همراه با کاهش کنترل دولتها بر امور اقتصادی، تقویت نقش بازیگران غیر دولتی و ارتقاء جایگاه حقوق بشر و محیط زیست در ارزیابی های اقتصادی است، روز به روز دیدگاه مدرن به حقوق بین الملل توسعه در مقایسه با دیدگاه سنتی به آن تقویت می شود. در واقع دولتها در راستای از دست دادن صلاحیت خود، صلاحیت اداره و حکومت خود را در حوزه های پیچیده ای نظیر محیط زیست از دست می دهند. (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۱، ۱۵) بنابراین امروزه دیدگاه اقتصاد محور به توسعه جای خود را به دیدگاه بشر محور به توسعه داده است که عمدتاً در سایه تلاشهای سازمان ملل متحد و سازمانهای غیر دولتی شکل گرفته است. یکی از نتایج اصلی اتخاذ رویکرد مدرن به حقوق بین الملل توسعه، ظهور حقوق بین الملل توسعه پایدار می باشد.

گفتار دوم: ظهور حقوق بین الملل توسعه پایدار:

حقوق بین الملل توسعه در تحول از سمت مفهوم توسعه اقتصادی به سمت توسعه انسانی نهایتاً به ایده حقوق بین الملل توسعه پایدار نائل شده است. این مفهوم که حاصل تغییر پارادایم در حوزه حقوق بین الملل می باشد تأثیرات قابل توجهی در ادبیات توسعه و کارکردهای نهادهای متولی توسعه به همراه داشته است.

بند اول: تعریف حقوق بین الملل توسعه پایدار

ابتدائاً لازم است مفهوم پایداری در اصطلاح توسعه پایدار بیشتر روشن شود. به لحاظ لغوی مفهوم «پایداری» به دو دلیل نیاپستی با مفهوم «ثابت» یکی تلقی شود. اولاً؛ همه پدیده های اجتماعی طبیعتاً همواره در حال تغییر و تحول هستند. مطمئناً تثبیت متغیرها و ماهیت متحول پدیده

۱- برای مثال بر طبق دیدگاه سنتی به حقوق بین الملل توسعه بایستی یک سرمایه گذار خارجی در مطابقت با قوانین کشور میزبان رفتار نماید. در حالیکه براساس دیدگاه مدرن سرمایه گذار بایستی بر طبق قوانین مطلوب بین المللی رفتار کند هر چند شاید در مغایرت با قوانین کشور میزبان نیز باشد.

های اجتماعی هم غیر ممکن و هم نامطلوب است. ثانیاً؛ توسعه نیز ماهیتاً نمی تواند ثابت قلمداد شود. توسعه ذاتاً با تغییر و تحول مثبت همراه است. لذا پایداری می تواند به معنای فرایند مداوم و مستمر بهبود سیستم اقتصادی- اجتماعی و زیست محیطی تعریف شود. برای رفع این ابهام برخی معتقدند که بایستی به جای توسعه پایدار از اصطلاح پایداری توسعه استفاده نمود. (Steger, ۲۰۰۵:۲۵)

توسعه پایدار به لحاظ اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و... قابل تعریف می باشد. (Atmanand, ۲۰۰۹:۲) مطابق با رویکرد زیست محیطی، پایداری عبارت است از عدم کاهش کیفیت زیست محیطی در بلند مدت و مطابق با رویکرد اقتصادی، عبارت است از عدم کاهش رفاه فردی در بلند مدت. (Fiore, ۲۰۰۲: ۶) اما متداولترین و تثبیت شده ترین تعریف از توسعه پایدار تعریفی است که کمیسیون برونتلند^۱ ارائه نموده است. بر طبق تعریف کمیسیون برونتلند توسعه پایدار، توسعه ای است که نیازهای نسل حاضر را بدون لطمه به توانایی نسلهای آتی در تامین نیازهای خود بر آورده سازد. (Our Common Future, ۱۹۸۶: ۲۷)

البته برخی نویسندگان این تعریف «کلاسیک» (Drexhage and others, ۲۰۱۰: ۶) را که برای حل مشکلات زیست محیطی جهانی ارائه شده ولی مستقیماً اشاره ای به حمایت زیست محیطی نکرده است بی ارزش می دانند و برخی دیگر ادعا می کنند که این تعریف برای کسب وضعیت هنجاری در حقوق بین الملل مبهم است. (Van Harmelen and others, ۲۰۰۵: ۱۱-۱۶) بنابراین اگرچه تعریف کمیسیون برونتلند از توسعه پایدار در حوزه مباحث عمومی و آکادمیک خیلی تاثیر گذار بوده است، مستلزم شفاف سازی است. چرا که پایداری تنها یک مفهوم توصیفی نیست، که صرفاً واقعیتهایی درباره موضوع خاص مطرح کند، بلکه بایستی نظرات هنجاری در خصوص اینکه ما چه چیزی را، چقدر و برای چه کسانی بایستی پایدار نمائیم نیز ارائه نماید. (Taebi, ۲۰۱۱: ۱۳۲) به هر حال اهمیت تعریف کمیسیون برونتلند از توسعه پایدار همین باز گذاشتن گزینه های احتمالی و توسعه های ممکن و نه مسدود نمودن آنهاست. (IAEA, ۲۰۰۰: ۴)

در تعریف دیگری که توسط انجمن حقوق بین الملل ارائه شده است توسعه پایدار عبارت است

۱- Brountland Commission

از حق همه موجودات بشری به استانداردهای کافی زندگی بر مبنای مشارکت فعال، واقعی و آزادانه در فرایند توسعه و در تقسیم عادلانه منافع ناشی از آن. (۲۱۱: ۲۰۰۲، ILA) همچنین موسسه بین المللی توسعه پایدار، توسعه پایدار را به عنوان رفاه زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی برای امروز و فردا توصیف کرده است. (۲: ۲۰۱۲، IISD) «کنوانسیون همکاری در زمینه حمایت و توسعه پایدار محیط زیست دریائی و ساحلی پاسفیک شمال شرقی ۲۰۰۲»^۱ نیز در ماده (آ) (۱) ۳ مقرر می دارد: توسعه پایدار عبارت است از فرایند تغییر مترقیانه در کیفیت زندگی موجودات بشری، به عنوان هسته اصلی و تابعان اصلی توسعه، بوسیله ابزارهای رشد اقتصادی همراه با کیفیت اجتماعی و تغییر شکل روشهای تولید و الگوهای مصرف پایدار شده از طریق برقراری تعادل زیست محیطی و سیستمهای حمایتی زندگی منطقه ای.

علیرغم اینکه پیش از ۲۰۰۰ تعریف از توسعه پایدار در طول ۲۵ سال از طرح آن توسط کمیسیون پروتکلند ارائه شده است این مفهوم همچنان مبهم و گیج کننده است. (۲۷: ۲۰۰۵، Steger) حقوق بین الملل ناظر بر توسعه پایدار هنوز مبهم بوده و در جریان تعریفهای بیشتر قرار دارد. (Second Preparatory Committee, ۲۰۰۲: ۱) به هر صورت فارغ از تعریفهای مطروحه، هدف اساسی توسعه پایدار حفظ یا افزایش دارائی های عمومی بشری یا اجتماعی موجود اعم از طبیعی و مصنوعی برای نسلهای آتی است، در این برداشت توسعه از سمت «رشد پایدار»^۲ به سمت «رشد پایدار شده»^۳ در حرکت است.

علیرغم اینکه در خصوص مفهوم و قلمرو دقیق توسعه پایدار در میان کشورها اتفاق نظر جامعی وجود ندارد، امروزه به عنوان مفهومی قلمداد می شود که واجد مشخصه های کلی زیر است:

(۱) ارتباط نزدیک میان اهداف خط مشی توسعه اقتصادی و اجتماعی و حمایت زیست

۱- The ۲۰۰۲ Convention for Cooperation in the Protection and Sustainable Development of The Marine And Coastal Environment Of The Northeast Pacific, Antigua, Guatemala, ۱۸ February ۲۰۰۲. Available Online: http://www.Cep.Unep.Org/Services/Nepregseas/Convention_English_Nep.Doc Last visited on ۲۲/۰۸/۲۰۱۲.

۲- Sustainable Growth

۳- Sustained Growth

محیطی؛

۲) تلقی حمایت زیست محیطی به عنوان یک حق لاینفک هر گونه اقدام توسعه ای؛

۳) ملاحظه بلند مدت اهداف خط مشی به عنوان مسئولیت فرانسلی دولتها.

در یک برداشت کلی اصطلاح حقوق توسعه پایدار به یک مجموعه در حال ظهور از اسناد و اصول حقوقی بین‌المللی اشاره دارد که تعامل میان حقوق اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی را در نیل به منافع نسلهای حاضر و آتی تامین می نماید. نکته قوت مفهوم توسعه پایدار در دلالت ضمنی آن بر این واقعیت است که توسعه اقتصادی و حمایت زیست محیطیه طور متقابل مقوم یکدیگر بوده و هدفش ارائه یک راهکار عملی برای رفع تعارض سنتی میان این حوزه‌هاست.

بند دوم: تکامل حقوق بین الملل توسعه پایدار:

روند تکاملی حقوق بین‌الملل توسعه پایدار جدا از حقوق بین‌الملل توسعه نیست. بدین معنی که حقوق بین‌الملل توسعه پایدار جزئی از حقوق بین‌الملل توسعه بوده و اساساً در گستره آن قابل طرح و بررسی است. البته حقوق توسعه پایدار چندین دهه بعد از طرح مباحث توسعه در حوزه حقوق بین‌الملل مطرح شده و در برهه های زمانی مختلف روند تکاملی خود را طی نموده است. در این گفتار این روند تکاملی در قالب سه برهه زمانی مختلف مورد بررسی قرار می گیرد.

الف: از کنفرانس استکهلم تا گزارش برونلند: ظهور مفهوم توسعه پایدار

ریشه های مفهوم توسعه پایدار به اوائل دهه ۱۹۷۰ و برگزاری کنفرانس استکهلم برمی گردد. کنفرانس استکهلم اولین تجمع بین‌المللی مهم برای بحث در خصوص پایداری در سطح بین‌المللی بود. اعلامیه استکهلم در خصوص نحوه ارتباط محیط زیست و توسعه واجد اهمیت زیادی هست. همه اصول اعلامیه استکهلم، بالاخص اصل ۱۱ آن به طور ضمنی به تعارض میان توسعه اقتصادی و حمایت زیست محیطی اشاره دارند. (۶: ۲۰۰۱، Fitzmaurice) اصل ۱۱ لازم می دارد که سیاستهای زیست محیطی دولتها نه تنها بایستی پتانسیل توسعه ای حال و آتی کشورهای در حال توسعه را افزایش دهد، آن بایستی در بهره مندی همه افراد از شرایط مطلوب زندگی مانع ایجاد نکند و اینکه بایستی گامهایی توسط کشورها و سازمانهای بین‌المللی به منظور نیل به یک توافق در خصوص برگزاری نشست در خصوص آثار اقتصادی ملی و بین‌المللی ناشی از اجرای موازین اقتصادی برداشته شود. پیشنهادات کنفرانس استکهلم در سال ۱۹۸۰ در «استراتژی حفاظت

جهانی^۱ که هدف آن پیشبرد توسعه پایدار از طریق تبیین اولویت موضوعات حفاظتی و گزینه های خط مشی اساسی بود گنجانده شد. استراتژی حفاظت جهانی مشترکاً توسط «اتحادیه بین المللی برای حفاظت از طبیعت»^۲، برنامه محیط زیست سازمان ملل و صندوق جهانی برای طبیعت^۳ در دهه ۱۹۸۰ توسعه یافت.

اگرچه در سال ۱۹۸۲ منشور جهانی طبیعت^۴ ایده خشک توسعه پایدار را در برخی از برنامه های خاص اجرائی گنجانده ولی اصل توسعه پایدار بطور صریح برای اولین بار در گزارش سال ۱۹۸۷ کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه^۵ تحت عنوان «آینده مشترک ما» مطرح شده است. کمیسیون ۲۱ نفره مزبور تحت ریاست نخست وزیر نروژ «گرو هارلیم برونتلند»^۶ با لحاظ تمامی توصیه های ارائه شده در ظرف سه سال از ۵ قاره جهان استراتژیهای زیست محیطی برای نیل به توسعه پایدار تا سال ۲۰۰۰ و فراتر از آن را مطرح نمود. این گزارش که اوج تحقیق و پژوهش روی وضعیت محیط زیست جهانی تا بدان روز بوده است، توسط برنامه سازمان ملل متحد به عنوان مهمترین سند آن دهه قلمداد شد.

ب: از گزارش برونتلند تا کنفرانس ریو: ترویج مفهوم توسعه پایدار

گزارش کمیسیون توسعه پایدار تحت عنوان «آینده مشترک ما» که به دلیل اسم ریاست کمیسیون به گزارش برونتلند مشهور شده است حاوی اصول راهبردی برای توسعه پایدار بوده است. گزارش برونتلند عنوان می دارد که مسائل زیست محیطی اصلی اساساً ناشی از فقر گسترده در کشورهای جنوب و الگوهای ناپایدار تولید و مصرف در کشورهای شمال می باشد. این گزارش استراتژی را تبیین می کند که در بردارنده ملاحظات اقتصادی و ملاحظات زیست محیطی تحت

۱- The ۱۹۸۰ World Conservation Strategy

۲- International Union For Conservation Of Nature (IUCN)

۳- World Wide Fund For Nature (WWF)

۴- World Charter For Nature

۵- World Commission on Environment And Development(WCED)

۶- Gro Harlem Brundtland

عنوان توسعه پایدار است.

در دسامبر سال ۱۹۸۷ گزارش برون‌تولند در مجمع عمومی سازمان ملل به موجب قطعنامه ۴۲/۱۸۷ تصویب شد که منجر به اتخاذ تصمیم مجمع عمومی مبنی بر ایجاد کنفرانس سازمان ملل در خصوص محیط زیست و توسعه در ریودژانیرو برزیل گردید. کنفرانس ریو نقطه عطفی در تکامل مفهومی اصل توسعه پایدار در حقوق بین‌الملل محیط زیست و توسعه می باشد. این امر در بخشی توسط مشارکت ۱۴۲۰ سازمان غیر دولتی در اجلاس ریو حاصل شد. در حالیکه کمیسیون برون‌تولند بنیانگذار مفهوم مدرن توسعه پایدار بود، اعلامیه ریو با درج این مفهوم در یک اعلامیه اتخاذی با اتفاق آراء، البته غیر الزام آور، یک گام به جلو برداشت. (Van Harmelen, and others, ۲۰۰۵:۱۱) اصل ۴ اعلامیه ریو با بیان «اصل وحدت»^۱ به عنوان سنگ بنای حقوق بین‌الملل محیط زیست مدرن و قلب اصل توسعه پایدار مبین این ایده است که توسعه و حمایت زیست محیطی بایستی با یکدیگر ادغام شوند. بر طبق اصل ۲۷ اعلامیه ریو نیز دولتها متعهد به پیشبرد توسعه حقوق بین‌الملل در زمینه توسعه پایدار شده اند. از زمان صدور اعلامیه ریو، توسعه پایدار پارادایم اصلی حاکم بر مسائل زیست محیطی و توسعه ای بوده^۲ و مفاهیمی مانند توسعه پایدار، بهره مندی پایدار، آستانه حداکثر پایداری یا مدیریت پایدار در بسیاری از اسناد بین‌المللی با ماهیت حقوقی و غیر حقوقی گنجانده شده است. که البته در برخی موارد به جای اینکه در تبیین مفاهیم مربوطه موثر باشد به پیچیدگی آنها افزوده است. (Beyerlin, ۲۰۰۹:۱)

برنامه عمل ۲۱^۳ که در همان کنفرانس ریو اتخاذ شد نیز حاوی نکات ارزنده در خصوص توسعه پایدار است. نیاز به حقوق بین‌الملل برای توسعه پایدار در طرح اقدام سال ۱۹۹۲ در فصل ۳۸ تبیین شده است. به موجب آن دولتها متعهد به توسعه های بیشتر حقوق بین‌الملل در زمینه

۱- Principle of Integration

۲- بعد از کنفرانس ریو توسعه پایدار بیشتر با موضوع تغییرات آب و هوایی پیوند خورده است. گزارش ارزیابی چهارم هیئت بین‌الدولی تغییرات آب و هوایی روابط مکرر میان تغییرات آب و هوایی و توسعه پایدار را خاطر نشان شده و به اینکه آنها می توانند متقابلاً مقوم همدیگر باشند اشاره نموده است. البته لازم به ذکر است که گستره مقوله توسعه پایدار فراتر از تغییرات آب و هوایی بوده و محدود سازی بررسی مقوله توسعه پایدار در بحثهای تغییرات آب و هوایی چندان وافی مقصود نخواهد بود.

۳- Agenda۲۱

توسعه پایدار از طریق توجه ویژه به تعادل میان نگرانی‌های زیست محیطی و توسعه ای شدند. دولتها همچنین لزوم تبیین و تقویت روابط میان اسناد بین‌المللی موجود یا ترتیبات بین‌المللی در زمینه محیط زیست و اسناد و موافقتنامه های اجتماعی و اقتصادی مربوطه با امعان نظر به نیازهای خاص کشورهای در حال توسعه را به رسمیت شناختند. (۲۰۰۲, Second Preparatory Committee) (۲) طرح اقدام تاکید دارد که نیل به توسعه پایدار مستلزم تلاش های متمرکز توسط طیف گسترده ای از عوامل شامل دولت، صنعت و شهروندان می باشد. به طور کلی طرح اقدام ۲۱ تلاش نکرد تا توسعه پایدار را به مجموعه ای از الگوهای رفتاری خاص تبدیل نماید، بلکه طیف گسترده ای از پیشنهادات را بدون ارائه مشخصه های مفهوم توسعه پایدار ارائه نمود.

در بعد سازمانی نیز توسعه پایدار در این دوره رشد محسوسی داشته است. طرح اقدام ۲۱ مفهوم توسعه پایدار را به لحاظ سازمانی از طریق پیشنهاد ایجاد کمیسیون توسعه پایدار ارتقاء بخشید. بر طبق فصل ۳۸ طرح اقدام ۲۱ و متعاقب قطعنامه ۱۹۹۳/۲۰۷ اکوسوک، کمیسیون توسعه پایدار به منظور تضمین پیشبرد موثر اهداف کنفرانس ریو و همچنین ارتقاء همکاری بین‌المللی برای وحدت موضوعات توسعه ای و زیست محیطی تاسیس شد. در کنار تاسیس نهادهائی مثل کمیسیون توسعه پایدار که وظیفه اصلی و اولیه آن ترویج و ارتقاء توسعه پایدار در سطح بین‌المللی است، اصل توسعه پایدار در دستور کاری سازمانهای توسعه ای دیگر نیز قرار گرفت. برای مثال در موافقتنامه مراکش^۱ به عنوان سند تاسیس سازمان تجارت جهانی، توسعه پایدار به عنوان یکی از اهداف سازمان شمرده شد.

ج: از کنفرانس ریو تا به امروز: شکست و تزلزل در سیاستهای توسعه پایدار

در این دوره اصل توسعه پایدار در حقوق بین‌الملل معاهده ای، هدف بسیاری از معاهدات بین‌المللی در سطح جهانی و منطقه ای بوده است. توسعه پایدار بالاخص موضوع و هدف معاهدات بین‌المللی زیر قلمداد می شود:

۱- Marrakesh Agreement Establishing The World Trade Organization, Apr. ۱۵, ۱۹۹۴, ۱۸۶۷ U.N.T.S. ۱۵۴, ۳۳ I.L.M. ۱۱۴۴ (۱۹۹۴), http://www.Wto.Org/English/Docs_E/Legal_E/Legal_E.Htm Last visited on ۲۲/۰۸/۲۰۱۲.

- کنوانسیون ساختاریسازمان ملل ۱۹۹۲ در خصوص تغییرات آب وهوائی و پروتکل ۱۹۹۷ کیوتو^۱
 - موافقتنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی ۱۹۹۴^۲
 - کنوانسیون ۱۹۹۴ در خصوص مبارزه با بیابان سازی و خشکسالی^۳
 - کنوانسیون سازمان ملل در خصوص تنوع بیولوژیکی و پروتکل کارتانگای آن در سال ۲۰۰۰^۴
 - موافقتنامه مشارکتی کو تنو ۲۰۰۰^۵ میان اتحادیه اروپا، کشورهای، پاسفیک، آفریقائی و حوزه کارائیب
 - معاهده بین المللی در خصوص ژنتیک گیاهی برای کشاورزی و غذا ۲۰۰۱^۶
- البته در هریک از این معاهدات مطروحه هدف توسعه پایدار تا حدودی متفاوت عبارت پردازی شده و راه های عملی کردن آن نیز متفاوت بوده است.
- در این دوره رویه قضائی بین المللی در تبیین اصل توسعه پایدار نقش مهمی داشته است. دیوان بین المللی دادگستری در قضیه معروف گابچیگو و ناگیماروس، عنوان داشت که نیاز به برقراری سازش میان مفهوم توسعه اقتصادی با حفاظت از محیط زیست به طور مطلوبی در مفهوم توسعه پایدار متجلی شده است. (ICJ, ۱۹۹۷: ۱۶۲) اگرچه دیوان در رای خود اشاره ای به ماهیت حقوقی یا غیر حقوقی توسعه پایدار نمود، ولی قاضی ورمانتری در نظر جداگانه خود توسعه پایدار را بیش از یک مفهوم صرف دانسته و آن را یک اصل با ویژگیهای هنجاری قلمداد نموده است. به نظر وی اصل توسعه پایدار نه صرفاً به خاطر ضرورت منطقی آن بلکه به خاطر پذیرش عمومی آن از سوی جامعه جهانی یک بخشی از حقوق بین الملل مدرن می باشد. (Weeramantry, ۱۹۹۷: ۸۶)
- در سطح منطقه ای نیز توسعه پایدار روند تکاملی خود را در این دوره طی نموده است. برای

۱- The ۱۹۹۲ Un Framework Convention On Climate Change And Its ۱۹۹۷ Kyoto Protocol

۲- The ۱۹۹۴ North American Free Trade Agreement

۳- The ۱۹۹۴ Un Convention To Combat Desertification And Drought

۴- The ۱۹۹۲ Un Convention On Biological Diversity And Its ۲۰۰۰ Cartagena Protocol,

۵- The ۲۰۰۰ Cotonou Partnership Agreement

۶- The ۲۰۰۱ International Treaty On Plant Genetic Resources For Food And Agriculture

مثال متعاقب کنفرانس ریو، در دسامبر ۱۹۹۶ «نشست آمریکائی در خصوص توسعه پایدار»^۱ در سانتا کروز بولیوی برگزار شد. «اعلامیه سانتا کروز»^۲ مقرر داشت که موجودات بشری نقطه ثقل مسائل توسعه پایدار بوده و استراتژیهای توسعه بایستی پایداری را به عنوان یک پیش شرط اساسی برای نیل متعادل و یکپارچه به اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی قلمداد کند. همچنین در ماده ۳۷ منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپائی در دسامبر ۲۰۰۰ تحت عنوان حفاظت از محیط زیست آمد که حفاظت گسترده از محیط زیست و ارتقاء وضعیت زیست محیطی بایستی بر اساس اصل توسعه پایدار در سیاستهای اتحادیه گنجانده شود. (دشاب ۱۳۸۳: ۱۸۱)

علیرغم اینکه بعد از گزارش برونتلند همواره توسعه پایدار، پارادایم حاکم بر روندهای توسعه بوده است و انتظار می رفت پیشرفتهای محسوسی در این حوزه صورت بگیرد، در اجلاس زمین ۵+ که در سال ۱۹۹۷ در نیویورک برگزار شد عنوان شد که نتایج مثبتی حاصل شده است ولی اجرای تلاشها در سطح ملی و بین المللی تا حدودی ناموفق بوده است. در تایید مفاد این گزارش، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در همان سال خاطر نشان کرد که روند کلی در خصوص توسعه پایدار بدتر از آنی است که در سال ۱۹۹۲ وجود داشت. (Drexhage and Other, ۲۰۱۰, P.۸)

مذاکرات در اجلاس جهانی توسعه پایدار که منجر به صدور اعلامیه ژوهانسبورگ شد، یک جهش مهم در خصوص درک اصل توسعه پایدار بود. اجلاس جهانی در خصوص توسعه پایدار در حوزه هائی که ریو در آن شکست خورده بود موفق عمل نمود ولی در عوض در زمینه هائی که ریو موفق بود این اجلاس شکست خورد. این اجلاس با تمرکز روی مسائل توسعه ای، تغییر ساختاری اساسی بویژه از طریق ادغام اهداف اعلامیه هزاره با موضوعات توسعه ای ایجاد نمود. در عوض به دلیل تمرکز جامعه بین المللی روی مسائل دیگری نظیر تروریسم و سلاحهای کشتار جمعی و مساله عراق اتفاق نظر سیاسی در آنجا حاصل نشد.

متعاقباً در بعد سازمانی و رویه قضائی توسعه پایدار مورد توجه بوده است. در رویه قضائی بین المللی نیز، دیوان بین المللی دادگستری در قضیه لوله های خمیر دعوی آرژانتین علیه اروگوئه

۱- Summit of The Americas on Sustainable Development

۲- Declaration of Santa Cruz De La Sierra

در سال ۲۰۰۶ نیز نیاز به تضمین حمایت زیست محیطی از منابع طبیعی مشترک را در عین تجویز توسعه اقتصادی پایدار و ویژگی منافع متعارض توسعه اقتصادی و حمایت زیست محیطی را مورد تاکید قرار داد. در اعلامیه دوحه در سال ۲۰۱۱ در ارتباط با سازمان تجارت جهانی آمده است که «ما به جد تعهدمان را به هدف توسعه پایدار به نحو مقرر در موافقتنامه مراکش تایید می کنیم»^۱.

نهایتاً اجلاس «ریو+۲۰» که در بیستمین سالگرد برگزاری ریو ۱۹۹۲ در سال ۲۰۱۲ در ریو برگزار شد، یکی از مهمترین کنفرانس های بین المللی در خصوص توسعه پایدار تا به امروز بوده است که علاوه بر تاکید مجدد بر اهمیت نیل به توسعه پایدار و مفاد اسناد و کنفرانسهای ماقبل، به لحاظ توسعه هنجاری و سازمانی نیز قابل توجه است. سند نهائی این اجلاس موسوم به «آینده ای که می خواهیم» تاکید می دارد که از زمان برگزاری کنفرانس ریو در سال ۱۹۹۲ پیشرفتهایی کم و حتی شکست هائی در زمینه ادغام سه بعد توسعه پایدار صورت گرفته است که این روندها بوسیله بحرانهای اقتصادی، غذایی و انرژی که توانایی کشورها بویژه کشورهای در حال توسعه را در نیل به توسعه پایدار تهدید می کند تشدید شده است. در ماده یک این سند هدف اصلی این اجلاس تاکید بر تعهد به نیل به توسعه پایدار و تضمین ترویج آینده پایدار زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی برای کره زمین و نسلهای حال و آتی عنوان شده است. همچنین براساس مفاد بند ۳ آن ارتباط و پیوند لاینفک میان ابعاد سه گانه توسعه پایدار مورد تصریح قرار گرفته است.

نیل به توسعه پایدار در بعد سازمانی به تصریح بند ده سند نهائی اجلاس ریو+۲۰ مستلزم وجود نهادها و سازمانهایی می باشد که موثر، شفاف، دموکراتیک و پاسخگو باشند. در این راستا در کنار لزوم مشارکت همگانی بازیگران دولتی و جامعه مدنی بر نقش کلیدی سازمان ملل متحد در پیشبرد برنامه توسعه پایدار تاکید شده است. این توسعه سازمانی بنا به تصریح سند نهائی اجلاس بایستی در انطباق با نظام ملل متحد صورت گیرد و نقش محوری بایستی در این خصوص بر عهده برنامه عمران ملل متحد باشد. این سند در راستای طرح ایده اقتصاد سبز در چارچوب توسعه پایدار، لزوم حل مساله تغییرات آب و هوایی و تغییر الگوهای تولید و مصرف، مقدمات ایجاد

۱- Ministerial Declaration, Ministerial Conference - Fourth Session, Doha, Qatar (۱۴ November ۲۰۰۱), WTO Doc. Wt/Min (۰۱)/Dec/W/۱, AtPara. ۶

سندوقی تحت عنوان «سندوق آب وهوائی سبز» را ایجاد نمود.

در یک جمع بندی از روند تکاملی اصل توسعه پایدار به نظر می رسد حقوق توسعه پایدار علیرغم اینکه تقریباً پارادایم حاکم بر روند های توسعه ای اخیر می باشد ولی بنا به دلایل زیر به اندازه کافی تثبیت شده و قوام یافته نمی باشد.

اولاً: روند تکاملی حقوق بین الملل توسعه پایدار حاکی از این است که علیرغم برگزاری اجلاسهای مهم و مناوب در خصوص توسعه پایدار، و تصدیق این مساله که توسعه پایدار، پارادایم اصلی حاکم بر مسائل زیست محیطی و توسعه ای بوده است، به اذعان اسناد نهائی خود این کنفرانسها سیاستهای عملی توسعه پایدار پیشرفتهایی کمی داشته و حتی در زمینه هایی مثل ادغام ابعاد سه گانه توسعه پایدار با شکست مواجه شده است. بنابراین خلاء قابل توجهی در خصوص جایگاه نظری و عملی توسعه پایدار در حقوق بین الملل توسعه وجود دارد.

ثانیاً: عمده اسنادی که مفهوم توسعه پایدار را مطرح نمودند، جزء اسناد قوام نیافته می باشند. برخلاف اسناد قوام یافته که دال بر تعهد واقعی بوده و بایستی ایفاء شود و نقض آن مسئولیت بین المللی ناقض را به همراه دارد، اسناد قوام نیافته داری آثار حقوقی ضعیف بوده و نقض آن عمدتاً همراه با انتقاد و فشارهای غیر حقوقی است. (Lang, ۱۹۹۹:۲) اسناد قوام نیافته شامل طیف گسترده ای از اسناد شامل اعلامیه های اصولی، کدهای رفتاری، رهنمودها، قطعنامه های سازمانی و.. می شود. با توجه به این واقعیت که تکامل حقوق بین الملل عرفی می تواند با درج اصول در اسناد غیر الزام آور تسریع شود، اهمیت اسناد قوام نیافته نبایستی نادیده گرفته شود. بنابراین قابل تصور است که مفاد اسناد قوام نیافته در آینده نزدیک جزئی از حقوق بین الملل باشد هر چند در قالب یک کنوانسیون بین المللی گنجانده نشده باشد.

ثالثاً: معیار و نحوه ارزیابی میزان نیل به پایداری نیز از دلایل عدم تثبیت ایده توسعه پایدار در حقوق بین الملل توسعه می باشد. بعد از ارائه گزارش بروتلند و برگزاری اجلاس ریو تلاشهای متعددی در راستای کمی نمودن معیارهای کیفی توسعه پایدار صورت گرفته است اما بسیاری از نشستهای مهم سازمان ملل در خصوص توسعه پایدار منجر به اتخاذ یکسری سیاستها و اسناد کلی شده و از بحث دقیق در خصوص چگونگی ارزیابی میزان نیل به پایداری اجتناب ورزیده اند.

اگرچه پیشرفتهای قابل توجهی در زمینه ارزیابی توسعه پایدار بالاخص در چارچوب سازمان توسعه همکاریهای اقتصادی^۱ صورت گرفته است، اما به جز در خصوص شاخصهای «ضمیمه توسعه انسانی»^۲ که توسط برنامه توسعه سازمان ملل ارائه شده است، ارائه شده است. همچنان معیار تولید ناخالص ملی^۳ از اهمیت ویژه ای برای سنجش نیل یا عدم نیل یک کشور به توسعه پایدار قلمداد شده و به عنوان یک «متریک دفاکتو جهانی»^۴ برای ارزیابی استانداردهای زندگی قلمداد می شود. این امر حاکی از این است که علیرغم اینکه ادعا می شود رویکردهای اجتماعی و زیست محیطی از اهمیت اساسی در ارزیابی و سنجش سیاستهای پایداری برخوردارند، همچنان شاخص های اقتصادی در این خصوص حرف اول را می زنند.

گفتار سوم: چالش عملی ایجاد تعادل میان ابعاد سه گانه توسعه پایدار:

امروزه بر طبق اسناد سازمان ملل متحد توسعه پایدار در بردارنده سه بعد اساسی اقتصادی، اجتماعی^۵ و زیست محیطی می باشد. لذا توسعه ای که تنها به قصد تامین رشد اقتصادی باشد نهایتاً نمی تواند به توسعه پایدار منجر شود. توسعه پایدار همانند مثلی است که اضلاع سه گانه آن توجه همزمان به اقتصاد، حقوق بشر و محیط زیست است. در واقع سه قطب اصلی پایداری در مفهوم توسعه پایدار عبارتند از مردم (بعد اجتماعی)، کره زمین (بعد زیست محیطی) و سود (بعد

۱- Organisation of Economic Co-Operation And Development (OECD)

۲- Human Development Index

۳- Gross Domestic Product (GDP)

۴- De Facto Universal Metric

۵- بعد اجتماعی در نتایج نشست جهانی در خصوص توسعه پایدار سال ۲۰۰۲ که منجر به صدور اعلامیه اجرائی ژوهانسبورگ شد مورد تاکید واقع شده است. در این اجلاس نیاز به ترویج ادغام کامل اهداف توسعه پایدار در برنامه ها، سیاستها و نهادهای که تمرکز اصلی شان روی موضوعات اجتماعی بود در راستای توجه هر چه بیشتر به ابعاد اجتماعی توسعه مطرح شده است.

See: ۲۰۰۲ Johannesburg Declaration, And ۲۰۰۲ Johannesburg Plan of Implementation, Report Of The World Summit On Sustainable Development, Johannesburg(South Africa) (۴ Sept. ۲۰۰۲) UN Doc. A/Conf.۱۹۹/۲۰ At ۱۴۰, <Http://Www.Un.Org/Esa/Sustdev/Documents/Wssd_Poi_Pd/English/Poitoc.Htm>. Last visited on ۲۲/۰۸/۲۰۱۲.

اقتصادی). (Nuttall, ۲۰۰۳: ۲) به این ترتیب، پیش شرطهای تحقق توسعه پایدار، توسعه اقتصادی، توجه به استانداردها و سیستم های حمایت از محیط زیست و نهایتاً احترام به حقوق بشر است. (شهبازی، ۱۳۸۹: ۱۲۹). در چارچوب مفهوم توسعه پایدار ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطیه دلیل روابط تنگاتنگ و تعاملات گسترده به صورت یک پیکره واحد یا نظام یکپارچه عملکرده یا واکنش نشان میدهند. بهطور مثال تقریباً هیچ فعالیت اجتماعی بدون تاثیر گذاری در قلمرو و اقتصادی نخواهد بود و نیز هیچ فعالیت اقتصادی بدون تاثیر گذاری در قلمرو اجتماعی و زیست محیطی نخواهد بود. (Strange and other, ۲۰۰۸: ۲۵)

اگر دولتها بتوانند میان ابعاد اقتصادی و زیست محیطی توسعه تعادل ایجاد کنند آن وقت توسعه اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی نه تنها مغایر هم نخواهند بود بلکه مکمل هم نیز خواهند بود. این همان ایده حقوق بین الملل توسعه پایدار است. (Drew, ۲۰۰۴: ۴) توسعه اقتصادی اگر به درستی صورت گیرد مشکلی برای پایداری محیط زیست ایجاد نمی کند. در عین حال اتخاذ خط مشی های مطلوب برای حفاظت از محیط زیست هم مانع توسعه اقتصادی نخواهد بود. (مولدان و دیگری، ۱۳۸۱: ۶۷) اما توسعه اقتصادی که محیط زیست را تخریب نموده یا منجر به استفاده گسترده از منابع طبیعی به ضرر نسلهای آتی شود توسعه پایدار نخواهد بود. (Subedi, ۲۰۰۶: ۳۰) بنابراین امروزه چالش اساسی برای سیاستهای توسعه پایدار، پذیرش تعامل این سه بعد و تنظیم تعادل لازم میان آنهاست.

برای نشان دادن جایگاه عملیاصل توسعه پایدار در روندهای حقوق بین الملل توسعه لازم است به طور مشخص به برخی از مصادیق حقوق بین الملل توسعه اشاره شود. یکی از متغیرهای مهم حقوق بین الملل توسعه، روندهای سرمایه گذاری می باشد. در سطح جهانی لزوم نیل به توسعه پایدار در روندهای اقتصادی، به طور قابل ملاحظه ای در پروژه های سرمایه گذاری و اجرای طرحهای مشترک مطرح می باشد. اختلافات بین المللی زیادی در این خصوص میان دولتها در زمینه لزوم رعایت یا عدم رعایت اصول توسعه پایدار رخ داده است. یکی از مهمترین دعاوی بین المللی در این زمینه، دعوی کابچیکوو- ناگیماروس^۱ در سال ۱۹۹۷ میان مجارستان و اسلواکی نزد

۱- I.C.J, Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary/Slovakia) ۱۹۹۷.

دیوان بین المللی دادگستری است. دعوی در خصوص ادامه یا توقف اجرای پروژه مشترک احداث سد کابچیگوو- ناگیماروس روی رودخانه دانوب براساس معاهده منعقد شده میان دو کشور در سال ۱۹۷۷ برای تولید برق بود که در این ارتباط کشور اسلواکی بر ادامه اجرای پروژه توسعه اقتصادی بنا به توافق طرفین استناد می‌جست در حالی که کشور مجارستان بنا به دلایل زیست محیطی خواهان توقف اجرای پروژه بود. این دو کشور برای حل اختلاف خود به دیوان بین المللی دادگستری رجوع نمودند. دیوان در این قضیه نهایتاً به این نتیجه رسید که نگرانی‌های مجارستان در خصوص محیط زیست منطقه که متأثر از اجرای طرح اقتصادی گابچیگوو- ناگیماروس می‌باشد، به «نفع اساسی» آن کشور مربوط می‌شود. به زعم دیوان، مجارستان حق داشت تا به خاطر «شرایط جدید حقوق بین الملل در خصوص حمایت از محیط زیست که مانع از اجرای معاهده شد» اجرای پروژه اقتصادی را متوقف سازد. از این رو قواعد زیست محیطی را بایستی در اجرای طرحهای اقتصادی وارد ساخت و پروژه های اقتصادی بایستی با قواعد در حال ظهور حقوق بین الملل تطبیق داده شود. در این رای به لزوم انجام ارزیابیهای زیست محیطی در اجرای پروژه های اقتصادی به صراحت اشاره شد. یافته های این رای در خصوص لزوم احترام به اصول توسعه پایدار در زمینه سرمایه گذاری و اجرای پروژه های عمرانی، در دعوی آرژانتین علیه اروگوئه در سال ۲۰۰۶ در ارتباط با تاسیس سازوکار مشترکی برای بهره برداری بهینه و معقول از رودخانه اروگوئه موسوم بهقضیه آسیاب ها نیز مورد تاکید قرار گرفت.^۱

از مصادیق دیگر حق بین الملل توسعه، حق توسعه و طراحی الگوهای تولید و مصرف ملی انرژی است. تولید انرژی ایمن و سازگار با محیط زیست از ملزومات اساسی توسعه پایدار است. این در حالی است که آلاینده های ناشی از سوختفسیلی حیات جامعه بشری و محیط زیست را با مشکل مواجه ساخته است. استفاده از این گونه سوختها علاوه بر آلودگی هوا که خود مشکل بزرگ زیست محیطی است، باعث گرم شدن تدریجی هوا و تغییرات آب و هوایی می شود و عوارض جانبی آن حیات بشر را به مخاطره می اندازد. بعد از کشف اتم در نیمه اول قرن بیستم این انتظار می رفت که انرژی هسته ای منبع اصلی تامین انرژی مورد نیاز جامعه بشری باشد و بتواند در

۱- I.C.J, Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), ۲۰۰۷.

میان انواع مختلف منابع انرژی با لحاظ محدودیت انتشار اثرات گلخانه ای تقاضای فزاینده انرژی را تامین نمایند. بررسی روند تاریخی انعقاد کنوانسیونهای مربوط به انرژی هسته ای نشان می دهد که حمایت از محیط زیستدغدغه اصلی تهیه کنندگان اولیه کنوانسیونهای حقوق انرژی هسته ای نبود، اما این برداشت به تدریج با گذشت زمان تغییر نمود. امروزه اگرچه حقوق بین الملل هسته ای یک شاخه جدیدی از حقوق بین الملل می باشد ولی آن دربردارنده یکسری اصول بنیادین در خصوص رعایت اصل توسعه پایدار می باشد. اصولی نظیر اصل احتیاط، اصل جلوگیری و اصل حسن همجواری از مصادیق بارز اعمال اصول زیست محیطی در حوزه حقوق انرژی هسته ای می باشد.

امروزه عملاً روند توسعه اقتصادی انرژی هسته ای با چالش های متعدد اجتماعی و زیست محیطی مواجه است. خطرات احتمالی ناشی از فعالیت نیروگاههای هسته ای در پرتو وقایع هسته ای چرنوبیل و فوکوشیما و مساله پسماندهای هسته ای، روند توسعه اقتصادی در حوزه انرژی هسته ای را با مشکل مواجه ساخته است. به طور کلی اختلاف نظر زیادی در خصوص پایداری زیست محیطی انرژی هسته ای وجود دارد. از یک سو برخی بر این باورند که آن هیچ گونه آلودگی قابل توجهی که منجر به تغییرات آب و هوایی شود ایجاد نمی کند و از این رو آن می تواند راه حلی مطلوب برای حرکت از سمت سوخته های فسیلی که منجر به آلودگی گسترده می شوند شود. در حالی که به زعم مخالفین، چالشهای زیادی در خصوص این حوزه به لحاظ زیست محیطی وجود دارد که مهمترین آنها مسائل پسماندهای هسته ای و ایمنی است. (Runnalls, ۲۰۰۳: p.۷) بنابراین انرژی هسته ای تنها در صورتی قادر خواهد بود در راستای توسعه پایدار قلمداد شود که بر چالشهای ایمنی تشعشعات رادیو اکتیو، پسماندهای هسته ای و نهایتاً مساله تغییرات آب و هوایی است غالب گردد.

از موضوعات دیگر در خصوص لزوم ایجاد تعادل میان بعد زیست محیطی و اقتصادی توسعه پایدار، تاثیر اجرای پروژه های اقتصادی در حوزه های زیست محیطی با اهمیت بین المللی است. نمونه بارز جلوگیری از اجرای یک پروژه اقتصادی در راستای رعایت الزامات اصل توسعه پایدار، در قضیه برونایر در هلند مطرح شد. در این قضیه پادشاه هلند به درستی تصمیم اتخاذ شده از طرف

مرجع صالح برای ایجاد تفرجگاه‌ها در تالاب LAC را به دلیل مغایرت با استفاده معقول از تالاب بین المللی مذکور و حفظ ویژگی‌های اکولوژیکی آن و نهایتاً نقض کنوانسیون رامسر^۱ رد نمود. (p.۱: ۲۰۰۸, verschuren) قضیه مربوط به ایجاد یک تفرجگاه بزرگ نزدیک تالاب LAC در جزیره برونایر بود که در اوایل دهه ۱۹۸۰ به عنوان یک تالاب در سایت رامسر ثبت شده بود. اختلاف بر سر این مساله بود که آیا مجوز صادر شده برای ایجاد این تفرجگاه بایستی با لحاظ تاثیرات زیست محیطی اجرای پروژه باشد یا نه. پادشاه هلند به اصل استفاده معقول و تکلیف به مطلع بودن از تغییر در ویژگی‌های اکولوژیکی تالاب مندرج در ماده ۳ کنوانسیون رامسر اشاره داشت. وی بعد از بررسی گایدلاینها، قطعنامه‌ها و توصیه نامه‌ها در چارچوب کنوانسیون رامسر به این نتیجه رسید که به منظور جلوگیری از ورود صدمه به تالاب قبل از اجرای هر پروژه ای ابتدا بایستی ارزیابی زیست محیطی صورت گیرد و نتایج آن مورد لحاظ قرار گیرد. در این قضیه پادشاه مرجع صالح را مجبور به لغو تصمیمات و حذف تمامی اقدامات و کارهایی که در نتیجه صدور مجوز اتخاذ شده بود نمود.

در سطح کشور جمهوری اسلامی ایران نیز نمونه بارز تعارض اجرای پروژه های اقتصادی با الزامات زیست محیطی توسعه پایدار در حوزه آبخیز دریاچه ارومیه قابل مشاهده است. بنا به گزارش سازمان محیط زیست (سازمان حفاظت از محیط زیست، ۱۳۸۹: ۲۰) در کنار عوامل طبیعی، انجام پروژه های توسعه ای متعدد در حوزه دریاچه ارومیه نظیر احداث بزرگراه شهید کلاتری و سدهای مخزنی متعدد روی رودخانه های تامین کننده آب دریاچه، تعادل اکولوژیکی و هیدرودینامیک دریاچه ارومیه را برهم زده و در چارچوب کنوانسیون رامسر مغایر با تعهد به

۱- کنوانسیون رامسر، به عنوان تنها کنوانسیون جهانی پایه گذاری شده در ایران، قدیمی ترین معاهده بین الدولی جهانی با تاکید بر حفاظت و استفاده پایدار از طبیعت و تنها کنوانسیون بین المللی حفاظت از تالابهاست. این کنوانسیون در دوم فوریه ۱۹۷۱ (۱۳ بهمن ۱۳۴۹) منعقد و در ۲۱ دسامبر ۱۹۷۵ لازم الاجرا شد. ماموریت کنوانسیون رامسر حفاظت و استفاده معقول از تالابها از طریق اقدامات محلی، ملی و همکاریهای بین المللی به عنوان گامی در نیل به توسعه پایدار در سرتاسر جهان می باشد. مهمترین تعهد دولتهای عضو کنوانسیون رامسر در خصوص تالابهای مندرج در سایت رامسر، تعهد به «استفاده معقول» از تالابهای واقع در قلمرو سرزمینی اش می باشد. در ماده ۳ کنوانسیون، حفاظت از تالابها در موازات استفاده معقول از آنها مطرح شده است.

ترویج استفاده معقول قلمداد می شود. ناکارآمدی سیستم های ارزیابی آثار زیست محیطی، شروع پروژه ها قبل از ارائه نتایج ارزیابی زیست محیطی، عدم انتشار و اطلاع رسانی نتایج حاصله به عموم، عدم استفاده از بهترین تکنولوژیهای موجود و ... از سایر موارد مغایرت با اصول و قواعد زیست محیطی است که نهایتاً حیات این تالاب پرارزش را قربانی اولویتهای اقتصادی نموده است. این در حالی است که ایجاد تعادل میان حقوق محیط زیست و توسعه اقتصادی مطلوبترین شیوه برای حفاظت از دریاچه ارومیه است. (سلیمی ترکمانی، ۱۹۶: ۱۳۹۰)

بنابراین امروز دولتها در عمل با چالش پیچیده ای در یافتن تعادل مطلوب میان تقاضای فزاینده به استفاده از منابع طبیعی و اجتماعی بدون قربانی کردن پیشرفت اقتصادی در حوزه های مختلف حقوق بین الملل توسعه مواجه بوده اند. دولتها چه توسعه یافته و چه در حال توسعه و سوسه می شوند همیشه اولویتهای توسعه ای را بر ملاحظات زیست محیطی ترجیح دهند. بنابراین علیرغم اهمیت ایجاد تعادل میان ابعاد سه گانه توسعه پایدار، عملاً تا به امروزه این تعادل محقق نشده است. به نظر می رسد دلایلمدعه عدم تحقق این تعادل عبارتند از:

- مفهوم توسعه پایدار علیرغم تکرار فزاینده در ادبیات حقوق بین الملل، به منظور تبیین و اجرا خیلی مبهم است.
 - مفهوم توسعه پایدار در اسناد مختلف با موضوعات و زمینه های متفاوت و حتی رقیب آمده است.
 - توسعه پایدار به جای اینکه تجلی همزمان سه حوزه اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی باشد اساساً مفهوم اقتصادی- زیست محیطی یافته است.
 - توسعه اقتصادی اولویت اول کلیه کشورها اعم از توسعه یافته و در حال توسعه است.
 - کشورهای توسعه یافته با عدم ایفاء تعهدات خود در قبال کشورهای در حال توسعه فضای بی اعتمادی را در ایجاد بسترهای توسعه پایدار جهانی ایجاد نموده اند.
- به طور کلی به نظر می رسد در حالیکه مفهوم و ایده توسعه پایدار به طور گسترده در ادبیات حقوقی بین المللی مورد قبول واقع شده و تلاشهای قابل توجهی در زمینه ارزیابی تحقق توسعه پایدار حاصل شده است، هنوز وحدت سه حوزه توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و حمایت زیست محیطی با چالش مواجه است و خلاء قابل توجهی در خصوص جایگاه نظری و عملی توسعه پایدار در عرصه بین المللی و در چارچوب حقوق بین الملل توسعه وجود دارد.

نتیجه گیری:

روند تکاملی حقوق بین‌الملل توسعه به عنوان مقررات، اصول و قواعد فراملی ناظر بر ابعاد فرامرزی توسعه، بعد از جنگ جهانی دوم و با برگزاری کنفرانس برتوون و ودز آغاز شده و با طرح ایده نظم نوین اقتصادی، برابری جبران ساز و صدور اعلامیه حق بر توسعه و منشور حقوق و تکالیف اقتصادی دولتها تداوم یافته است. در این حوزه نیز توسعه سازمانی در کنار توسعه هنجاری رخ داده و با ایجاد برنامه توسعه سازمان ملل متحد، سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (یونیدو) و کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد تجارت و توسعه «آنکتاد» روند رو به رشدی حاصل شده است.

از اواخر دهه ۱۹۷۰ به تدریج در بستر تحولات صورت گرفته در حوزه توسعه، زمینه های تحول مفهومی در حوزه حقوق بین‌الملل توسعه ایجاد شده است. تحولات مفهومی در این حوزه از سمت توسعه اقتصادی به سمت توسعه پایدار بوده است که از طریق ایجاد پیوند با سایر حوزه های حقوق بین‌الملل نظیر حقوق محیط زیست و حقوق بشر توانسته به طور کلی پارادایم متفاوتی در حوزه حقوق بین‌الملل ایجاد نماید. مفهوم توسعه پایدار به عنوان محصول ارزشمند گزارش کمیسیون برونلند در سال ۱۹۸۷ توسعه را از سمت توسعه صرفاً اقتصادی به سمت توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی رهنمون ساخته است. حقوق بین‌الملل توسعه پایدار به لحاظ نظری با ادغام سه بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی توسعه با یکدیگر می تواند همزمان دربردارنده اصول زیست محیطی نظیر اصل احتیاط و اقدامات پیشگیرانه، اصول اجتماعی مثل انصاف فرانسلی و بین‌النسلی و اصول اقتصادی مثل کاهش فقر و افزایش رفاه اقتصادی باشد.

با وجود پیشرفتهای حاصله در این خصوص و ادعای تثبیت پارادایم توسعه پایدار در حوزه حقوق بین‌الملل توسعه، با بررسی برخی از مصادیق حقوق بین‌الملل توسعه به نظر می رسد حقوق بین‌الملل توسعه پایدار بنا به دلایل زیر تا به امروز آرمان است تا واقعیت. اولاً؛ مفهوم توسعه پایدار عمدتاً در قالب اسناد غیر الزام آور و حقوق قوام نیافته آمده و از قوام و الزام کافی برخوردار نیست؛ هر چند این اسناد می توانند در آینده زمینه های تثبیت حقوق بین‌الملل توسعه پایدار را فراهم سازند. ثانیاً؛ با توجه به اینکه همچنان تولید ناخالص ملی و سایر شاخص های اقتصادی مبنای

اصلی ارزیابی نیل به پایداری در حوزه توسعه قلمداد می شود نمی توان ادعا نمود تغییر پارادیمی که از سمت توسعه اقتصادی به سمت توسعه پایدار (اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی) صورت گرفته است تثبیت شده است. ثالثاً؛ چالش ایجاد تعادل میان ابعاد سه گانه توسعه پایدار برای کلیه کشورها به دلیل نیازها و ملاحظاتی اقتصادی، عملاً به سمت اولویت داده های اقتصادی بر داده های اجتماعی و زیست محیطی در جریان است. با وجود چنین شرایطی جامعه بین المللی در نیل به توسعه پایدار واقعی نیازمند تلاش مضاعف در بعد هنجاری و سازمانی می باشد.

منابع

- ۱- امیر ارجمند، اردشیر، «حقوق بین الملل و اندیشه عدالت»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۱ و ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۱ و بهار و تابستان ۱۳۷۲.
- ۲- داشاب، مهریار، «منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپائی (۷ دسامبر ۲۰۰۰)»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۳، ۱۳۸۳.
- ۳- ساعد، نادر، حقوق بین الملل و نظام عدم گسترش سلاحهای هسته ای، انتشارات شهر دانش، ۱۳۸۴.
- ۴- سازمان حفاظت از محیط زیست، برنامه مدیریت جامعه دریاچه ارومیه، تهران: انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست. ۱۳۸۹.
- ۵- سلیمی ترکمانی، حجت، «بررسی مشکلات زیست محیطی دریاچه ارومیه از منظر حقوق بین الملل محیط زیست»، فصلنامه راهبرد، شماره ۵۸، بهار ۱۳۹۰.
- ۶- شهبازی، آرامش، «توسعه پایدار یا پایداری توسعه»، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۴۲، ۱۳۸۹.
- ۷- ضیائی بیگدلی، محمد رضا، «جامعه مدنی جهانی و حقوق بین الملل»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره هفتم، ۱۳۸۱.
- ۸- مولدان، بدریچ و سوزان بیلهارز، شاخصهای توسعه پایدار، ترجمه: نشاط حداد تهرانی و ناصر محرم نژاد، انتشارات سازمان حفاظت از محیط زیست، ۱۳۸۱.
- ۹- هوهن فلدرن، آیگناتس زایدل، حقوق بین الملل اقتصادی، ترجمه سید قاسم زمانی، تهران: شهر دانش، ۱۳۸۴.

- ۱۰- Atmanand, Amit K. Gupta, Energy and Sustainable Development-An Indian Perspective, World Academy of Science, Engineering and Technology, Vol. ۵۴, ۲۰۰۹.
- ۱۱- Bellù, Lorenzo G., Development and Development Paradigms: A (Reasoned) Review of Prevailing Visions, Food and Agriculture Organization of the United Nations, ۲۰۱۱.
- ۱۲- Beyerlin, Ulrich, Sustainable Development, Max Planck Institute for Comparative Public Law and International Law, ۲۰۰۹.
- ۱۳- Bradlow, Daniel D. Development Decision-Making And The Content Of International Development Law , Boston College International & Comparative Law Review, Vol. ۲۷, ۲۰۰۴.
- ۱۴- Caplan, Pat, the Meaning of Development: The Example of Mafia, Goldsmiths College, University Of London, ۱۱th August ۱۹۹۴.
- ۱۵- Drew, Catriona, a Human Right to a Clean Environment? London, ۲۰ February ۲۰۰۴.
- ۱۶- Drexhage, John and Deborah Murphy, Sustainable Development: From Brundtland To Rio ۲۰۱۲, Background Paper Prepared For Consideration By The High Level Panel On Global Sustainability At Its First Meeting, ۱۹ September ۲۰۱۰.
- ۱۷- Fiore, Karine, Nuclear Power and Sustainability: The Challenges of the International ITER Project, Economic Analysis Centre, Paul Cézanne University, France, ۲۰۰۲.
- ۱۸- Fitzmaurice, M., the Principle of Sustainable Development in International Development Law, International Sustainable Development Law, Vol.۱. ۲۰۰۱.
- ۱۹- Lang, Winfried, Treaties asa Source of International Environmental Law, International Law and Institutions, ۱۹۹۹.
- ۲۰- Maniruzzaman, A. F. M., International Development Law As Applicable Law To Economic Development Agreements: A Prognostic View, Wisconsin International Law Journal, Vol. ۲۰, No.۱, ۲۰۱۲.
- ۲۱- Nuttall, William J., Provision of Sustainable Energy: Nuclear Energy, MPhil in Technology Policy, University of Cambridge, ۲۰۰۳.

- ٢٢- Ramani, Shyama V., Economic Development in India, a Personal View, ٢٠٠٨.
- ٢٣- Runnalls, David, Sustainable Development and Nuclear Waste, International Institute for Sustainable Development, Nuclear waste management organization, October ٢٠٠٣.
- ٢٤- Steger, Ulrich, Sustainable Development and Innovation in the Energy Sector, Springer, ٢٠٠٥.
- ٢٥- Strange, Tracey And Anne Bayley, Sustainable Development, Linking Economy, Society, Environment, Organization For Economic Co-Operation And Development, ٢٠٠٨.
- ٢٦- Subedi, S.P., Internationaleconomic lawSection A: Evolution and principles ofinternational economic law,University of London Press, December ٢٠٠٦.
- ٢٧- Sucharitkul, Sompong, The Nature And Sources Of International Development Law, International Sustainable Law Development, Golden Gate University, Vol.١,١٩٩١.
- ٢٨- Taebi, Behnam, Ethics of Nuclear Power: How to Understand Sustainability in the Nuclear Debate, Delft University of Technology, Netherlands, ٢٠١١.
- ٢٩- Van Harmelen, Mirjam and others, International Law of Sustainable Development: Legal Aspects of Environmental Security on the Indonesian Island Of Kalimantan, Amsterdam International Law Clinic Commissioned by Bronkhorst International Law Services, For the Institute for Environmental Security, Version ١, October ٢٠٠٥.
- ٣٠- Verschuren, Jonathan, Ramsersoftlawisnt soft at all, discution of the ٢٠٠٧ decision by the netherlands crown on the lac ramser site on the island bronaire, ٢٠٠٨. available at: <http://ssrn.com/abstract=١٣٠٦٩٨٢>
- ٣١- Waart, Paul J.I.M.De, Participants And Their Role In The Development Of International Development Law, International Law, VrijeUnivesrsiteit Amsterdam, International Sustainable Development Law, Vol.١, ٢٠٠٦.
- ٣٢- Wang, Guiguo, International Development Law in the Globalized World, James Cook University Law Review, Vo.١٠, ٢٠٠٦.
- ٣٣- Documents:
- ٣٤- Report of the Secretary-General, in larger freedom: towards development, security and humanRights for all, Follow-up to the outcome of the Millennium Summit, Fifty-ninth sessions, ٢٠٠٥.

- ۳۵- UNDP, Human Development Report ۲۰۱۰, the Real Wealth of Nations: Pathways to Human Development. Available at: http://Hdr.Undp.Org/En/Media/Hdr_۲۰۱۰_En_Complete_Reprint.Pdf
- ۳۶- Last visited on ۲۲/۰۸/۲۰۱۲
- ۳۷- World Bank ,What Is Development?, Beyond Economic Growth, ۲۰۱۲, P.۷,
- ۳۸- Available at: www.Worldbank.Org/Depweb/English/.../Beg_۰۱. Last visited on ۲۲/۰۸/۲۰۱۲
- ۳۹- Our Common Future: Report of the World Commission on Environment and Development, Chapter ۲: Towards Sustainable Development, From A/۴۲/۴۲۷.
- ۴۰- IAEA, Maintaining and increasing the overall assets Available to future generations Nuclear Power and Sustainable Development, ۲۰۰۰.
- ۴۱- ILA, New Delhi Declaration of Principles of International Law Relating to Sustainable Development, International Environmental Agreements: Politics, Law and Economics, ۲ April ۲۰۰۲.
- ۴۲- International Institute For Sustainable Development, What Is Sustainable Development? [Http://Www.Iisd.Org/Sd/](http://Www.Iisd.Org/Sd/) Last visited on ۲۲/۰۸/۲۰۱۲.
- ۴۳- The ۲۰۰۲ Convention for Cooperation in the Protection and Sustainable Development of the Marine and Coastal Environment of the Northeast Pacific, Antigua, Guatemala, ۱۸ February .۲۰۰۲. Available Online: [Http://Www.Cep.Unep.Org/Services/Nepregseas/Convention_English_Nep.Doc](http://Www.Cep.Unep.Org/Services/Nepregseas/Convention_English_Nep.Doc) last visited on ۲۲/۰۸/۲۰۱۲.
- ۴۴- Second Preparatory Committee Meeting For the World Summit on Sustainable Development, International Sustainable Development Law: Principles, Practice & Prospects, New York, ۲۸ January to ۸ February ۲۰۰۲, ۲۰۰۲.
- ۴۵- [Http://www.Mpepil.Com/Subscriber_Article?Script=Yes&Id](http://www.Mpepil.Com/Subscriber_Article?Script=Yes&Id) last visited on ۲۲/۰۸/۲۰۱۲.
- ۴۶- Marrakesh Agreement Establishing the World Trade Organization, Apr. ۱۵, ۱۹۹۴, ۱۸۶۷ U.N.T.S. ۱۵۴, ۳۳ I.L.M. ۱۱۴۴ (۱۹۹۴), [Http://www.Wto.Org/English/Docs_E/Legal_E/Legal_E.Htm](http://www.Wto.Org/English/Docs_E/Legal_E/Legal_E.Htm) Last visited on ۲۲/۰۸/۲۰۱۲.

- ۴۷- Case Concerning the Gabčíkovo-Nagymaros Dam (۲۵ September ۱۹۹۷) (Hungary V Slovakia) I.C.J. Rep., ۳۷ I.L.M. (۱۹۹۸).
- ۴۸- Separate Opinion Of Vice-President Weeramantry in Case Concerning The Gabčíkovo-Nagymaros Dam (۲۵ September ۱۹۹۷) (Hungary V Slovakia) I.C.J. Rep., ۳۷ I.L.M. (۱۹۹۸)
- ۴۹- <http://www.icj-cij.org/docket/index.php?p۱=۳&p۲=۳&k=Ad&case=۹۲&code=hs&p۳=۴>
- ۵۰- Last visited on ۲۲/۰۸/۲۰۱۲.
- ۵۱- Ministerial Declaration, Ministerial Conference - Fourth Session, Doha, Qatar (۱۴ November ۲۰۰۱), WTO Doc. Wt/Min (۰۱)/Dec/W/۱, AtPara. ۶
- ۵۲- Report of the World Summit on Sustainable Development, Johannesburg (South Africa) (۴ Sept. ۲۰۰۲) UN Doc. A/Conf.۱۹۹/۲۰ at ۱۴۰
- ۵۳- <http://www.un.org/esa/sustdev/documents/wssd_poi_pd/english/poitoc.htm>. Last visited on ۲۲/۰۸/۲۰۱۲.

Received: ۹ May ۲۰۱۲

Accepted: ۸ Dec ۲۰۱۳

